

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه  
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1394/01/24



موضوع: بررسی درباره مطهریت نار و ادله آن

اصحاب فقهاء مطهریت نار به نحو یک مطهر مستقل عنوان کرده اند. گفتم که صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه هم این عنوان را دارد. [1] و اما فقهای تاریخ اخیر متأخر المتأخرین که علماء از لحاظ تاریخ دارای سه طبقه است متقدمین و متأخرین و متأخر المتأخرین. این طبقه سوم مخصوصاً سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «عدوا النار المطهر مستقلاً» [2]، گویا به عنوانی یک تنه بحث می فرمایند اصحاب شمرده اند نار را به عنوان یک مطهر مستقل. و بعد از که عنوان را گفتیم و تاریخ و نقش مطهریت نار را اجمالاً مورد اشاره در کلام صاحب جواهر بیان کردیم الان به ادله مطهریت آن باید مبادرت کنیم. در صدر اخباری است که ما را به مطهریت نار هدایت و ارشاد می کند که فقیه همدانی قدس اله نفسه الزکیه می فرماید: اصحاب را که نار مطهر مستقل عنوان کرده اند شاید نظری داشته باشند به اخبار [3].

دلیل اول نصوص

بنابراین دلیل اول ما در جهت مطهریت نار اخباری است که آمده است. از جمع این اخبار این روایت است و عنه عن موسی بن عمرو عن احمد بن الحسن میثمی عن احمد بن محمد بن عبدالله بن زبیر عن جده سند روایت اجمالاً با امتیازات و مدایح می تواند قابل قبول باشد الا زبیر که مجهول است که قابل اعتماد نیست. سند مجهول است. اما در عین حال امتیاز دارد امتیاز ابتدایی دارد، سند سندی است که شیخ کلینی نقل می کند و در کافی آمده و فقهاء هم در مقام استدلال این را نقل می کنند. سند در این حد است. «سالت ابا عبد الله عليه السلام عن البئر يقع فيها الفأرة أو غيرها من الدواب فتموت فتعجن من ماءها يأكل ذلك الخبز قال اذا اصابته النار فلا بأس بأكله» [4] دلالت این روایت اگر ما باشیم و ظاهر این روایت دلالت دارد بر مطهریت نار، اما اگر ذهنیتی در کار باشد و بگوییم از مطهرات مستقل

نار نیست می گوئیم این مطهریت ممکن است مربوط بشود به ماء بئر، ولی ظاهرش این است که «اذا اصابته النار»، نار شئ طاهری را اصابت بکند که فائده ندارد. اگر ماء بئر تاثیرگذار بود که اصابته النار لغو می شود، معلوم است که نار اثرگذار و مطهر است. سند که مشکل ابتدایی داشت و نقص آن هم نهایی نبود دلالت روایت بر مطلوب تقریباً درست بود، این می شود یک قدم به سمت اثبات مطلوب. روایت دوم عنه عن محمد بن الحسین عن محمد بن ابی عمیر عن رواه «عن ابی عبد الله علیه السلام فی عجین عجن و حبس ثم علم أن الماء کانت فیه میته قال لا بأس اکلت النار ما فیه» [5]، سند از شیخ کلینی تا اسنادش به محمد بن حسین که توثیق ندارد، بعد شیخ و ثقات که محمد بن ابی عمیر است، ابن ابی عمیر مرسل نقل کرده «عن رواه» قاعده این است که حتی گفته می شود من این را خودم در بیانات امام خمینی ندیدم ولی فاضلی و محقق به من گفت که امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه فرموده اند به مراسیل ابن ابی عمیر اعتماد می شود اما به مسانیدش اطلاقاً اعتماد نمی شود باید تحقیق به عمل بیاید. شاید نظر شریف ایشان این است که آن تصریح شیخ طائفه مربوط است به مراسیل ابن ابی عمیر و مراسیل ابن ابی عمیر را نجاشی هم تایید فرموده است. سند می شود درست. دلالت هم بسیار عالی است «اکلت النار ما فیه»، آتش آنچه را که به اش بر بخورد می بلعد و از بین می برد دیگر باقی نخواهد ماند. کاملاً از بین می رود. و حدیث دیگر که این را شیخ طوسی نقل می کند عنه عن یعقوب بن یزید عن الحسن بن المبارک عن زکریا بن آدم، این سند را قبلاً هم خواندیم برای حسن بن مبارک توثیق خاص نداشتیم ولی مدائح پیدا کردیم یعقوب بن یزید که توثیق دارد و زکریا بن آدم که از اصحاب امام رضا است. «سألت ابا الحسن الامام الرضا علیه السلام عن قطره خمر أو نبیذ مسکر تا به اینجا قلت فانه قطر فیه الدم» آبگوشتی بوده قطره خونی در آن آبگوشت ریخته چه می شود «قال الدم تأکله النار ان شاء الله» [6] این سه حدیث که سند هم آنطوری که قبلاً برایتان گفته بودم مشکل خاص نداشت، دلالتش کامل بود. «الدم تأکله النار»، خون را هم آتش از بین می برد. دلالت این سه تا روایت کامل شد الان برویم به سراغ صحیحه. روایت دیگر که صحیحه حسن بن محبوب است که «الماء و النار قد طهراه» [7]، از جهت این کارش درست است چون مدعای ما این است که بگوئیم نار مطهر است، این هم تصریح دارد «الماء و النار طهراه»، ترجمه اش دقیق می شود آب مطهر است نار مطهر است و ثبت المطلوب که نار مطهر است. سند صحیحه است مدلول کامل است. اگر اشکال شود که آب چه نقشی دارد چون آب در گچ به اندازه ای نمی ریزند که آب تطهیر بکند، آب را قاطی می کند تا اینکه گچ درست بشود، عملیات اصلی مال آتش است. چیزی که به درد ما می خورد «المار و النار قد طهراه» نار مطهر اعلام شده است و هو المطلوب. چهار تا روایت را گفتیم دلالت ها درست و سند که یکی صحیحه بود و دومی هم معتبر بود دو تا روایت دیگر با امتیازات و خصوصیات که گفتیم حداقل کمک ما می کرد. ما در یک مسئله اگر چهار تا روایت داشته باشیم که یک روایتش صحیحه باشد و دیگری معتبره باشد دیگر از لحاظ مدرک غنی هستیم جزء مدارک غنی به حساب می آید.

دلیل دوم اولویت ازاله

دلیل دوم ما هم تحلیلی بود که صاحب جواهر فرمود که اولویت ازاله. ازاله یک واقعیتی

است، می بینیم آب هم خاصیت ازاله دارد و آتش هم خاصیت ازاله دارد. شما یک قطره آبی را روی یک جسمی بریزید، آب دیگری روی آن بریزید تطهیر کنید هم آن قطره را می برد و آتش را بیاورید آن قطره آب را از بین می برد ازاله می کند. و ازاله هم طوری می شود که در حین ازاله عملیات تنجیس هم صورت نمی گیرد چون آتش غلبه دارد و ازاله می کند. دقت کنید که خود ازاله یکی از اصطلاحاتی است که در بحث تحقیقی بیاید. بنده حقیر که گفته بودم موضوعات که از سوی فقهاء اعلام می شود اعتبار فقهی و تقلیدی ندارد مگر اینکه اعتماد کنیم. گفتیم که موضوعات باید از راه خودش تحقیق بشود. گفته شد که مرکزی است در حوزه از سوی دفتر مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی این مرکز همین کار را می کند، گفتند استحاله را روی آن کار می کنند، خودشان هم اظهار نظر نمی کنند و کار ندارند بدهند به مراجع تقلید که باید حکمش را اعلام بکنند.

سوال:

پاسخ: همه موضوعات عرفی نیست، یک سری موضوعات تخصصی است. مثلاً مرگ مغزی را عرف نمی فهمد که این مرگ است یا زندگی، استحاله و تبدیل ماهیتی را عرف نمی فهمد، موضوعاتی که تخصصی باشد نیاز به تخصص داشته باشد کم هم نیست. دلیل دوم ما اولویت در ازاله بود.

دلیل سوم بوسیله آتش میکروب زدائی می شود

دلیل سوم ما سیدنا الاستاد می فرماید در بعضی از ملاحظات نوشته شده که نجاسات در حقیقت میکروبهاست. این میکروبها واقعیت نجاسات است. در احکام تکلیفیه ملاک را نمی توانید احراز بکنید، گفتیم علم به ملاک حاصل می شود براساس قواعد امامیه عدلیه، اما تعیین ملاک کار ناممکنی است در احکام تکلیفیه اما در احکام وضعیه گفتیم تشخیص و تعیین ملاک کار مشکلی نیست می شود تشخیص داد. نجاسات و قذورات و همچنین بعض مسائل دیگر کار ممکن است. شرطیت و جزئیت اینها مسائلی است، مورد بسیار برجسته طهارت و نجاست که ملاکش را می توانیم پیدا کنیم که قذارت است که این قذارت اصل دارد و واقعیت دارد، واقعیت همان ذرات ریز است که از لحاظ علمی گفته شده میکروبها. بنابراین به وسیله سوزاندن و آتش گرفتن نار آتش این میکروبها را واقعا از بین می برد. ما علوم آزمایشگاهی را وارد نیستیم ولی این مقدار از دور می دانیم که به وسیله آتش گرفتن و سوختن میکروب می میرد. اینها جزء واضحات است. بنابراین با توجه به این واقعیت نار می شود مطهر مستقل، به استحاله کار نداریم. استحاله صورت بگیرد یا نگیرد.

دلیل چهارم از اطلاقات نصوص علم به ازاله حاصل می شود

دلیل چهارمی که ما گفتیم این بود ما به نصوص که منظور از ظاهر نصوص اطلاقات نصوص است نه خود نص که اجتهاد در مقابل نص جایز نیست. نص اگر همانطوری به ما گفته این یک قطره کمتر از درهم معفو است می گوئیم سمعا، خود نص باشد که نه، متن نص نه،

اطلاق نص گفتم با علم اگر تعارض بکند قطعاً اتباع علم مقدم است از باب حجیت قطع. می توانیم بگوییم که در تحقیقات بسیار ساده نه پیشرفته که بگویید تخصصی، در تحقیقات بسیار ابتدایی می بینیم که بعد از آتش گرفتن شئ نجس و یا متنجس قطعاً از ماده نجاست از اصل نجاست یا از تنجیس چیزی باقی نمی ماند. ازاله قطعی می شود علم به ازاله حاصل می شود، بعد از علم به ازاله چیزی باقی نمی ماند که ما درباره اش شک یا تردید نکنیم. در نتیجه می توانیم اعلام بکنیم که نار یک مطهر مستقل است همانطور که صاحب جواهر فرموده. این ادله ما بود و این هم استظهار و استخراج حکم علی الظاهر برابر با رأی صاحب جواهر و بعضی از فقهای دیگر.

#### اما استدالات مخالفین

اما در برابر این ادله فقهاء ردودی دارند که از این قرار است، اولاً می فرمایند روایاتی که درباره مطهریت نار آمده است این روایات به طور عمده روایاتی است که معرض عنهاست. با یک کلمه معرض عنها ریشه روایات سست می شود. که فقیه همدانی فرموده است این روایت معرض عنهاست. و ثانیاً معارض است با حدیثی که آمده است: شیخ طائفه از محمد بن علی بن محبوب عن محمد بن الحسین که از اصحاب ابن ابی عمیر عن ابن ابی عمیر عن بعض اصحابنا «قال قيل لابی عبد الله عليه السلام في العجين يعجن من الماء النجس كيف يصنع به قال يباع ممن يستحل أكل الميته» [8] و روایت دوم هم با همین سند آمده است «یدفن و لا یباع». این دو روایت معارض است. عجینی که با آب نجس خمیر شده باشد «یباع ممن يستحل اكل الميته».

#### کلام سید الحکیم

سید الحکیم قدس الله نفسه الزکیه می فرماید مناقشه در سند که درست نیست چون مرسل ابن ابی عمیر است. و مناقشه در دلالتش هم جا ندارد که گفته است این گونه از خمیر را بفروشید به کفاری که آنها اکل میته را حلال می دانند. لازمه اش این است که پاک نیست نجس است. اما اولاً این روایت قابل معارضه با آن گروه نیست آنها در حد مستفیضه هستند این در حد خبر واحد، خبر واحد با اخبار مستفیضه قابل معارضه ندارد. و ثانیاً معرض عنها ثابت نیست، عده ای از فقهاء خود صاحب جواهر در انتهای می گوید ممکن است دلیل مطهریت نار اجماع باشد، چه اعراضی است که اجماع موافق آن است اعراض هم ثابت نیست. و ثالثاً دلالت این روایت کامل نیست. اولاً روایت اجمال دارد از لحاظ دلالت فقط گفته است یباع، جزء روایاتی است که مجامله در متنش است این روایت است نگفته که نجس است. پس نجاست اعلام نشده. روایت مجمل است. و بعد هم درباره عجن آمده، عجن که نار ندیده خمیر است، خمیر حکمش این است، نه خبز. ما درباره خبز صحبت می کنیم شما از عجن دلیل روایت معارض می آورید. درباره خبز روایتی بیاورید. و بعد هم در نهایت این روایات که نه قابلیت معارضه دارد و نه روایات معرض عنها در کار است و نه معارضه ای در کار است و نه دلالتی در کار است، بنابراین روایات به قوت خودش باقی ماند.

#### کلام سید الاستاد

سوال: نظر سيد الحکيم و سيد الخويي چيست

پاسخ: شيخ همداني و سيد الحکيم و سيدنا الاستاد هر سه هماهنگ مي گویند اين روايات دلالت هایش نقص دارد. يکي ممکن است مربوط باشد به ماء بئر که جواب دادم و روايت صحيحه حسن بن محبوب که جوابش را داديم دلالتش کامل نيست. و بعد سيدنا الاستاد مي فرمايد شما درباره ميكروب بحث ميکنيد، اين بحث ميكروب را ببريد خارج وادي فقه، ما در فقه از روايات و نصوص بحث مي کنيم، بحث ميكروب اينجا جايش نيست، ميكروبها اينجا جا ندارد. و بعد از اين بحثي که ميكروب ها و جراثيم را گفتند جواب آن مطلب داده مي شود، مي گویند ازاله، ما متعبديم ازاله گفته شده که بايد به وسيله آب باشد يا استحاله صورت بگيرد. اين روايات را قبول که بکنيم نار نقش اش اين است که مقدمه استحاله مي شود.

نتيجه

نتيجهتاً براساس فتوا و نظر اين فقهاء روايات دلالت شان تام نيست مع النقص في بعض اسنادها. و آنچه که درست و دقيق و صحيح اين است که نار سبب استحاله مي شود نه مطهر مستقل. رأي فقهای اخير گفته شد

اما تحقيق مطهر مستقل است

اما تحقيق آن بود که براي تان گفته شد نار مستقل است تحقيقاً و دقيقاً اما چون فقهاء فتوايشان بر خلاف هستند احتياط وجوبي اين است که بايد استحاله صورت بگيرد اما تحقيق به قوت خودش باقي است.

[1] جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفي، ج 6، ص 266.

[2] التنقيح في شرح العروه الوثقى، سيد ابوالقاسم خويي، ج 4، ص 158.

[3] مصباح الفقيه، فقيه همداني، ج 1، ص 632.

[4] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج 1، ص 129، ابواب ماء مطلق، ب 14، ح 17، ط اسلاميه.

[5] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج 1، ص 129، ابواب ماء مطلق، ب 14، ح 18، ط اسلاميه.

[6] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج 2، ص 1056، ابواب نجاسات، ب 38، ح 8، ط اسلاميه..

[7] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج 2، ص 1100، ابواب نجاسات، ب 81، ح 1، ط اسلاميه.

[8] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج 1، ص 174، ابواب اسئار، ب 11، ح 1، ط اسلاميه.